

طراحی معماری اسلامی

✓ طراحی معماری اسلامی، شاخه‌های معماری اسلامی، ویژگی‌های معماری اسلامی، طراحی معماری بر اساس زندگی اسلامی، شرکت مهندسی زیماترح

طراحی معماری بر اساس زندگی اسلامی

طراحی معماری، از مهمترین احتیاج‌های زندگی انسان، از قدیم مورد توجه بوده است. دین مبین اسلام، خانه را حریم امن خانواده به شمار می‌آورد و به طراحی‌های شکل گرفته در جامعه رنگ و بوی دیگری بخشیده است. به دلیل اهمیت حریم خانواده در فرهنگ ایرانی، حفظ حریم و حجاب در طراحی خانه به وضوح دیده می‌شود. طراحی معماری در گذشته ایران، درون‌گرا بود و مشرف نبودن خانه‌ها به یکدیگر و همچنین پرهیز از اختلاط محرم و نامحرم از ویژگی‌های مهم آن به شمار می‌رفت. از زمان فاجاره که معماری مدرن شناخته می‌شود، معماری سنتی با معماری مدرن در یک رقابت قرار گرفته‌اند.



اگرچه در این دوره، تقابل تنها از راه تصاویر، نمادهای کوچکی داشت، اما با ورود مهندسیین تحصیل کرده غرب در عرصه ساختمان‌سازی، همچنین تغییر نگرش مردم از حریم‌گرایی به رفاه‌طلبی، به مرور زمان سبک سنتی اهمیت خود را از دست داد، به طوری که در دوره پهلوی دوم با طراحی مجتمع‌های مسکونی به مرور زمان سبک سنتی به فراموشی سپرده شد. بخشی از مهندسیین طراح ایرانی و بزرگان معماری ایران به جهت تعلق خاطری که به سنت داشتند، تلاش‌هایی برای تلفیق معماری سنتی با غرب کردند، اما با توجه به پیدایش نیازهای جدید و حرکت جامعه به سمت ماشینی شدن زندگی، معماری سنتی توان رقابتی خود را از دست داد و به تقریباً به فراموشی سپرده شد.

در این میحت سعی شده تا الگوی مناسبی جهت طراحی اسلامی منطبق با ارزشهای انسانی بر گرفته از آیین اسلامی شود

پس از بیان ویژگی‌های مسکن در فرهنگ اسلامی - ایرانی، به علت بی‌توجهی به معماری سنتی پرداخته شود و در نتیجه، الگوی مناسب ارائه شود که با ارزش‌های الهی و نیازهای روز جامعه منطبق باشد.

پیش‌گفتاری بر طراحی معماری بر اساس زندگی اسلامی

خانه که از زمان پیدایش بشر تنها به عنوان سرپناهی برای حفظ انسان از گرما و سرما بود،

به مرور زمان با شکل‌گیری فرهنگ‌ها و عقاید مختلف، به عنوان یکی از منعکس‌کننده‌های ایدئولوژی‌های حاکم بر ملت‌های مختلف گردید، به طوری که با مطالعه دقیق معماری هر دوره، می‌توان از جزئی‌ترین عقاید اقوام آگاهی یافت. ایرانیان نیز با الهام از میانی جهان بینی اسلامی و فرهنگ سنتی ایرانی، محیطی ایده‌آل برای زندگی فراهم کردند. در معماری سنتی، نوعی تأثیر متقابل بین مسایل زیست محیطی و ارزش‌های فرهنگی وجود داشت. در طراحی بناها، هرخانه بخشی از اجتماع محلی به شمار می‌رفت، اما با ورود فرهنگ غربی، به تدریج الگویی در معماری ایران به کار رفت که برخاسته از فرهنگ بی‌هویت غرب بود و هیچ پشتوانه فرهنگی و مذهبی نداشت. طرح‌های ساختمانی جدید، تنها راه‌حلی برای پاسخ به نیاز روز افزون مسکن بود و هیچ رابطه‌ای با گذشته خود نداشت. این ساختمان‌ها در ترکیب با خانه‌های فرسوده شهر تنها ارفاقش بی‌هویتی فرهنگی و مذهبی بود.

شاخصه‌های مهم طراحی معماری اسلامی - ایرانی

تمامی فعالیت های انسان از دیرباز در جهت پاسخ گویی به نیازهایش بوده است. معماری مسکن نیز که در پی فراهم کردن محیط و فضای مناسب برای زیست است، نقش مهمی در تأمین نیازهای مادی و معنوی بشر ایفا می کند. دین مبین اسلام که برای سعادت بشر، در زمینه های مختلف برنامه ریزی دارد، اهمیت مسکن و نوع معماری را از نظر دور نداشته و توصیه های مختلفی در این باب ارائه کرده است.

احادیث و روایات اهل بیت، نشان دهنده اهمیت و جایگاه ویژه مسکن در اسلام است. در حدیثی از امام صادق (ع) آمده است اولین پولی که به دست می آورید، صرف خرید خانه کنید و آخرین چیزی که می فروشید، نیز خانه باشد. درجای دیگری نیز از آن حضرت نقل شده که مرد مدیون به دلیل اداء دین از منزل مسکونی خود رانده نمی شود(محقق، 1362، 25، 334).

اسلام، ویژگی های منحصر به فردی از خانه خوب و در شأن انسان مسلمان تبیین می کند که توجه به هر یک تأمین کننده سعادت دنیوی و اخروی انسان است. با بررسی معماری سنتی مسکونی ایران، می توان بسیاری از این ویژگی ها را یافت. در این مجال، به چند ویژگی مهم خانه و مسکن از منظر اسلام و بیان نمونه آن در معماری گذشته ایران پرداخته می شود.

حفظ ارزش محرمیت در طراحی معماری اسلامی

از احکام بسیار مهم، مربوط به حفظ محرمیت خانواده و عدم ورود به خانه بدون اجازه است. دستورات متعددی که در قرآن کریم آمده، مؤید این امر است(نور: 29، 28، 27). اصل محرمیت در احادیث منقول از ائمه و پیامبر(ص)، به روشنی بیان شده است. امام صادق(ع) در این زمینه فرمودند: «در خانه ات را ببند که شیطان در بسته را باز نخواهد کرد» (طبرسی، بی تا: 241). پیامبردر حدیثی در مورد حقوق همسایه چنین برشمردند: «از جمله حقوق همسایه آنست که از بام به خانه او ننگری و اگر چوبی بر دیوار تو نهد، منع کنی» (غزالی، 1355: 336).

اهمیت ارزش حیا در اسلام به حدی است که در روایات به مکان پایی فضاهای خصوصی خانه شامل اتاق های استراحت، آشپزخانه و سرویس ها پرداخته شده است. در روایتی از امام صادق(ع) آمده است: «**أَلَيْسَ مِنْ حَسَنِ التَّقْوِيِّ فِي بَيْتِهِ النَّارُ أَنْ يَكُونَ الْخَلَاءُ فِي أَسْتَرِ مَوْضِعِ فَيْهَا**؛ آیا از نیکویی تقدیر خانه که آدمی بنا می کند آن نیست که بیت الخلا در پنهان ترین جاهای خانه باشد؟ (جعفی کوفی، 1969: 70؛ نوری، بی تا، 1: 250).

همسویی معماری سنتی ایران با ارزش های الهی در خصوصیت درون گرایی نمود می یابد. در معماری گذشته ایران، توجه به درون (باطن) بیش از بیرون (ظاهر) و ارزش هایی چون حیا، عدم تفاخر، ریا و خودنمایی، پرهیز از برهنگی و خودآرایی، از بین بردن زمینه رشد خودپسندی و وحدت جامعه در ساختمان های درون گرا به خوبی قابل مشاهده است. ضمن آنکه به تعبیر بورکهارت خانه درون گرا، دریچه ای رو به آسمان دارد (پیرنیا، 1369: 53) خانه درون گرا نوعی پاسخ به سیر در انفس و درون خویش است که با تعالیم قرآنی کاملاً همخوانی دارد (فصلت: 53).

بهراد وثیق، در بیانی زیبا به معرفی اهم خصوصیات خانه درون گرا پرداخته است، «خانه درون گرا؛ مانند حصار، زندگی را محافظت می کند و در درون این حصار، آب و درخت، انسان را بی نیاز می کند. هرخانه، جهانی کوچک است که پوسته خانواده را دربرمی گیرد. حیاط، کثرت ها را وحدت می بخشد و آب مانند آینه آسمان زندگی را تطهیر می کند. هشتی، فضایی تنگ و نیمه تاریکی است که پس از کوچه واقع می شود و رابط بین بیرون، اندرون و حریم زندگی است فضای باز، نیمه باز و بسته در خانه، نماد تسلسلی است برای سکوت، مکت، عبادت و اندیشه که انسان ایرانی را به عالم بالا سوق می دهد» (وثیق، 1388: 97).

تاریخ پیدایش خانه های درونگرا به پیش از اسلام بازمی گردد. نمونه آن را می توان در خانه های باستانی تپه زاغه متعلق به هزاره ششم ق. م یافت که حیاط در آن به عنوان رابط بین فضاهای خانه به کار گرفته می شد (شهمیرزایی، 1365: 12). با ظهور دین اسلام، حریم خانواده تقدس یافت و این تفکر در اندیشه معمار ایرانی رسوخ یافت. خانه، در بافت شهری پیوسته، متراکم و درونگرا، فضایی خصوصی برای زندگی خانوادگی بود تا افراد از دید اشخاص ناخرم محفوظ باشند. فضای ورودی این نوع خانه ها به تبعیت از اهداف مذهبی و اجتماعی به شکلی طراحی می شد که افراد به صورت ناگهانی وارد خانه نشوند. به همین جهت طراحی فضای ورودی خانه های درون گرا به گونه ای بود که مسیر حرکت در امتداد محوری غیرمستقیم شکل می گرفت.

از ویژگی های مهم درون گرایی، نداشتن ارتباط بصری مستقیم فضاهای داخلی با بیرون از خانه است. در این نوع خانه ها، سلسله مراتبی برای ورود به درون وجود داشت. تنها عنصر ارتباط با بیرون هشتی بود. بعد از هشتی، راهرویی پیچ درپیچ به نام دالان قرار داشت که سبب می شد حریم خانه از دید افراد غریبه در امان بماند. پس از آن، فضای اصلی خانه بود که شامل دو قسمت درونی و بیرونی می شد. بیرونی، مخصوص میهمانان بود و اندرونی، برای اهل خانه و خیمه به کار می رفت. اولین بخش این قسمت، حیاط بود که به آن میان سرا نیز گفته می شد. پس از عبور از حیاط، راهرویی به نام یک دری وجود داشت که ارتباط فضای باز و حیاط را میسر می کرد. اتاق کوچک خانه دودری و اتاق استراحت را سه دری می نامیدند. به اتاق میهمان خانه، پنج دری گفته می شد. خانواده، شب های تابستانی در ایوان می نشستند. ایوان، فضایی مسقف بود که از سه طرف محدود و از یک طرف به فضای باز مشرف می شد (محرابی،1383: 15).

ارتباط با طبیعت

از جمله دیگر نکاتی که در اسلام برآن تأکید شده، بهره گیری از طبیعت برای سلامت روح و روان و تفکر در آن، برای افزایش ایمان به خالق هستی است. در حدیثی گران قدر از حضرت علی(ع) آمده است: «**لَا تَطِيبُ السُّعْتَى إِلَّا بِتَلَاتِي الْمَوَاءِ الْمَلِيبِ وَالْمَاءِ الْغَرِيبِ الْعَذْبِ وَ الْأَرْضِ الْغَوَّارَةِ**؛ مسکن گزیدن خوش نمی گذرد مگر به سه چیز: هوای خوش، آب فراوان گوارا و شیرین و زمین حاصل خیز» (حرانی، 1404: 320).

در معماری سنتی ایرانی، ارتباط با عناصر طبیعت به وضوح دیده می شود. در حقیقت حیاط در شکل دهی خانه های درون گرا نقش مهمی داشته است.

حیاط، فضایی سبز و خرم بود، به خصوص در مناطق گرم و کویری، هوایی خنک و مطبوع را برای ساکنان اتاق ها به ارمغان می آورد.

در خانه های سنتی ایران، با استفاده از قوای طبیعت چون انرژی خورشیدی و باد، استفاده از انرژی فسیلی به حداقل میزان ممکن می رسیده است. در معماری خانه های قدیم نواحی کویری با توجه به معیارهای بومی، سیستم هایی شامل گنبد، سردابه و بادگیر، فضایی سرد و دلنشین را برای اهل خانه فراهم می کرد.

استفاده از سقف های گنبدی که با کارایی بیشتری از سقف های مسطح گرما را انتقال می دهند، راهکار دیگر معماران سنتی برای تولید سرمایش بوده است. در این نوع ابنیه، هوای گرم به درون گنبد یا طاق صعود می کرد و انتقال گرما از سقف به پشت بام به حداقل می رسید، و این امر به این جهت بود که هوای گرم نزدیک سقف نگه داشته می شد (بناین، 1387: 36).

بادگیرها شاید باشکوه ترین سیستم خنک کننده غیر فعال بود که شامل یک برج با دودکشی بلند می شد و در آن جریان هوا به طرف پایین بادخور، به درون یک ایوان باز یا دیگر اتاق ها جریان می یافت. هوا در برخورد با سطح بادگیر، سردتر و سنگین تر می شد و به طرف پایین جریان می یافت. این فرآیند تا زمانی که برج گرم تر بوده و یا هوای داخل برج گرمای بیشتری داشت، عمل می کرد. گاهی ممکن بود هوا روی مجاری یا حوضچه های آب هدایت می شد که این امر نیز باعث خنک شدن هوا می شد(Bahadori: 1978: 150).

حفظ ارزش تواضع با تمرکز بر معماری درون خانه

از دیگر خصوصیات مهم معماری سنتی، بی توجهی به نماهای خارجی بوده است. این امر برخاسته از فرهنگ تواضع و عدم تباخر و میتنی بر آموزه های اسلامی است (زک: اسراء: 27، حدید: 23، فرقان: 63). در معماری سنتی ایران، بیشتر بناها در بافتی متراکم بنا شده و دیوارهای خارجی با کاهگل یا ترکیبی از کاهگل و آجر پوشیده می شد. چنان که بسیاری از خانه های کوچک و متوسط دارای ورودی با چنین نمایی طراحی شده بودند. این مسئله سبب می شد تا طرح نمای بسیاری از ورودی ها یا سطوح مجاور آن فاقد تصویر باشد (سلطان زاده، 1372: 136).

توجه به وسعت خانه

خانه بزرگ، از دیگر مواردی است که در اسلام توجه خاصی به آن شده است. در سخنان بزرگان دین، ازجمله خوشی ها در دنیا، خانه وسیع معرفی شده است. امام کاظم(ع) در مسجدالحرام، میان حلقه ای از بنی هاشم بود و درباره خوشی دنیا گفت وگو می کردند و هرکدام، چیزی درباره آن می گفتند. زمانی که از آن حضرت در این باره سؤال شد، فرمود: *«سَعَةَ فِي الْمَنْزِلِ وَقَمْلٌ فِي الْخَالِدِ»*؛ در وسعت منزل است و خوبی خدمتکار»(کلینی،6: 526). اهمیت این موضوع، به حدی است که رسول خدا۹در یکی از دعاهای خویش، از خداوند متعال، خانه وسیع طلب فرمود: *«اللَّهُمَّ اغْنِنِي لِي دُنْيَايَ وَ وَسِّعْ لِي فِي دَارِي وَبَارِكْ لِي فِي رِزْقِي*؛ خدایا گناه مرا بخش و خانه مرا وسعت بخش و روزی مرا مبارک گردان» (طبرانی، 7: 73؛ نسایی، 6: 24). شاید نظر اسلام درباره بزرگی و وسیع بودن خانه، ناظر به انتخاب مکانی است که خانواده به راحتی در آن زندگی کند، به تعبیر دیگر اسلام به دنبال آن است که در خانه، فضایی مهیا شود که آسیاب و آرامش خانواده را فراهم کند. باید توجه داشت که مراد از خانه وسیع، داشتن کاخ یا ساختن قصر نیست، بلکه برخورداری از خانه ای است که به اندازه نیاز و کفایت باشد. در واقع، مسکن در اسلام بسته به نیاز است و از ساخت مسکنی که افزون بر نیاز انسان باشد منع شده است امام صادق(ع) فرمود *«مَنْ بَنَى فَوْقَ مَا يَسْكُنُهُ كَيْفَ حَمَلَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ*؛ ساختمان بیش از مورد نیاز مسئولیت در قیامت دارد» (برقی، 1331، 2: 608).

بی هویتی معماری ایران و دلایل آن

معماری گذشته ایران، از آغاز تا دوره قاجار سیر تداوم، تغییر و تحول را پشت سر گذاشته است، اما از این دوره، به سبب آشنایی با فرهنگ مغرب زمین، تقابل معماری سنتی با معماری غرب شکل گرفت. این امر موجب شد تا در عهد ناصرالدین شاه، تحولی اساسی در معماری صورت بگیرد و گونه ای معماری در این دوره نفوذ یابد که تا آن زمان سابقه نداشت. ناصرالدین شاه، از میان تمامی شاهان قاجار بیشتر به معماری و ساختمان سازی علاقه نشان داد، چنان که اکثر بناهای ادوار قبل، به امر وی خراب و مطابق سلیقه او، اصلاح شد(مستوفی، 1371: 407) و سراهای سلطانی را هرچه باشکوه تر بنا کرد (سپهر، 1377: 3: 1512).

تقلید از معماری غرب، در دوره پهلوی با شتاب بیشتری ادامه یافت. دوره رضاشاه پهلوی در جهت سیاست باستان گرایی، نوعی از معماری رواج یافت که تلفیق معماری مغرب زمین با الگوهای ایران باستان بود. از مهم ترین تحولات معماری پهلوی دوم، شکل گیری واحدها و شهرک های مسکونی است. از آغاز شکل گیری معماری مدرن ایران در فاصله سال های 1320 تا 1350 با عضویت آن در معماری جهان معضلاتی در فرم و شکل آن پدید آمد. اگرچه پیوستگی به جریان معماری مدرن در آغاز راه، خلق آثار باارزشی را در پی داشت، اما در ادامه راه معماران ایرانی با تقلید صرف از غرب، هویت مستقل خود را از دست دادند. عامل مهم روی گردانی از معماری سنتی، علاوه بر حمایت شاهان، نیاز سریع به تولید مسکن انبوه و ارزان بود (مختاری طالقانی،1390: 134).

رشد شهرنشینی که بدون تردید انتظارات، خواسته ها و توقعات جدیدی از حکومت را با خود به دنبال آورد، در تولید این نیاز سهم فراوانی داشت (زیناکلام، بی تا: 216). مهاجرت به شهرها چنان گسترده بود که تا سال 1350 دولت ناگزیر در مقام چاره جویی برای اسکان 2/5 تا 3 میلیون نفر جمعیت در شهرهای کشور قرار گرفت. تقاضای فزاینده مسکن و در نتیجه گسترش حاشیه نشینی، سبب شد تا دولت طرح تولید مسکن ارزان قیمت را به تصویب رساند که همواره با حفظ کیفیت معماری همراه نبود (خلیلی: 52).

گذشته از مقتضیات زمانی که شرایط سیاسی کشور مسبب آن بود، ترویج فرهنگ غرب عاملی مهم در نفوذ معماری غرب بود. متأسفانه ترویج فرهنگ غربی، سبب نوعی بی هویتی در جامعه شد. بسیاری از ارزش های بیگانه که در بدو امر موضوعاتی نامانوس و ناهماهنگ با فرهنگ جامعه بودند، به مرور عادی شده و جامعه آن را پذیرفت. وضعیت تأسف بار حاصل از این تفکر، آن بود که به مرور معماری ایرانی مضمحل شده و این فکر القا شد که تنها عمارات قدیمی خشتی، ایرانی اند و به مرور این اشتباه رواج می یابد که معماری ایرانی برای زندگی امروز تناسب نداشته و اصولاً چیزی به نام معماری ایرانی امکان بقا ندارد. البته باید اشاره کرد که این سخن به این معنی نیست که پدیده ها، اشکال و آراء، فضاها و تکنیک های معماری و شهرسازی را باید مردود شمرد و با آنها مقابله کرد، بلکه سخن در این است که هر پدیده، برنامه و ایده ای که بخواهد از قلمرو«نظر» گذشته و در جامعه به مرحله عمل درآید، بایستی مبتنی بر برنامه و قانونی باشد (نقی زاده، 1387: 95). البته باید توجه داشت که لزوم توجه به معماری سنتی، منافای با استفاده از تجربیات سایر ملل و تمدن ها نیست، اما این امر بایستی به گونه ای باشد که با بهره گیری از آنها، اصول و ارزش های اعتقادی و باورهای جامعه تضعیف نگردند، به هویت ملی خدشه وارد نشود، عامل ترویج افکار و ایده های متضاد و مخالف ارزش های فرهنگی نباشد و اینکه با معیارهای برآمده از فرهنگ ایرانی، ارزیابی و انتخاب شده باشند (همان: 98-101).

آپارتمان نشینی، بهره گرفتن صحیح از فرهنگ دیگران و استفاده بهینه از زمین های شهری است که جامعه امروزی را ملزم به استفاده از آن کرده است. اگرچه اصل آپارتمان نشینی را نمی توان رد کرد، اما تقلید کورکورانه از غرب، در طراحی آن صحیح به نظر نمی رسد. نمونه آن، استفاده از آشپزخانه «ابن » است که در تناقض کلی با فرهنگ ایرانی بوده و خانم خانه دار را وادار می کند که برای حفظ دکوراسیون آشپزخانه در میهمانی ها به جای غذاهای خانگی و سنتی ایرانی، به غذاهای آماده رستوران را روی آورد و این امر سبب برچیده شدن فرهنگ سنتی و ماندگار خانواده هاست.

محیط و فضای بی هویت مغرب زمین، تأثیرات نامطلوبی را بر فرهنگ و رفتار جامعه ایرانی برچای گذاشت. متأسفانه به سبب عدم تحصیلات آکادمیک در زمینه معماری تا دوره قاجار، معماری مدرن مورد استقبال گسترده ای قرار گرفت. دیری نپایید که هدایت معماری ایران معاصر را تحصیل کرده گان دانشگاه های اروپایی برعهده داشتند. آنان شیوه های معماری مدرن را با فاصله کمی از رواج آنها در اروپا، در قالب طرح های معماری مدرن به اجرا در آوردند. رشد روز افزون شهرها و توسعه مراکز صنعتی و دولتی، سبب ایجاد بازار کار مناسبی برای معماران شد. دولت و مردم هم -علاقه مند به سپردن کارها به معماران آموزش دیده حرفه ای بودند که با هدایت معماران خارجی فعال در ایران کار می کردند. به دنبال این سیاست، اولین مدرسه معماری در دارالفنون طی سال های 1306 تا 1317 ایجاد شد. نیاز به معماران حرفه ای سبب شد تا دانشکده هنرهای زیبا در سال 1328 برای این امر تأسیس شود. این مرکز در جریان معماری مدرن نقشی مهم ایفا کرد (مختاری طالقانی،1390: 137).

از تأثیرات تقلید از معماری مغرب زمین، ترویج فردگرایی است. اینکه هر بنایی سعی در ناهماهنگی و عدم تجانس و تقابل هرچه تمامتر با سایر عمارات دارد، خود نشانی بارز از فردگرایی، تفاخر و خودنمایی است. در واقع فردگرایی ترویج شده که در پید تسلسل مدرنیسم درکالبد شهرها تجلی یافته است، به نوبه خود این ایده و طرز تفکر را تقویت کرده و غربت انسان معاصر را در محیط زندگی اش سبب شد (گنوه، 1378: 90).

امروزه بسیاری از فرم ها و فضاهای زیستی کاملاً دگرگون شده و گرایش به الگوهای وارداتی و بیگانه جامعه فزونی یافته است. پس با در پیش گرفتن چنین روش هایی نباید توقع داشت که ارزش های فرهنگی جامعه حفظ شود و روابط دوستانه همسایگی توسعه یابد (داوری اردکانی، 1377: 8).

راهکارهای بازایی هویت اسلامی درطراحی معماری

پس از وصف مسائل و مشکلاتی که در روند مواجهه با فرهنگ غربی برای معماری ایران پدید آمد، در این قسمت سعی می شود تا حداقلامکان به برخی از راهکارهای مقابله با این مشکلات پرداخته شود.

تکیه بر ارزش های الهی در معماری مدرن

از آنجایی که امروزه در ساخت مسکن ایرانی، نوعی بی هویتی و ازخودبیگانگی حاکم است، شایسته است تا با تکیه بر ارزش های الهی و اسلامی، هویت جدیدی به معماری مسکن داده شود. این امر همکاری کلیه سازمان های دست اندرکار را می طلبد. رسانه های گروهی با تبلیغ ارزش های اسلامی و لزوم حضور آن در شکل و فرم مسکن، به تبلیغ معیارهای معماری سنتی پرداخته و خطرات ناشی از تهاجم فرهنگ غربی را به مردم می بایست گوشزد کنند. دراین میان، وظیفه مهم بر عهده تحصیل کرده گان رشته معماری است که در انجام طرح های ساختمانی، بر روح بنا توجه لازم را مینبول داشته و با تمام توان سعی در حفظ ارزش های الهی را داشته باشند.

مسئولیت پذیری عالمان دین

به لحاظ اهمیت عملی کردن دستورات اسلام در ساخت مسکن باید از آگاه ترین افراد نسبت به علوم دینی در این امر بهره جست. مسئولیت پذیری عالمان مذهبی و متخصصان فقه، در برگشت به الگوی اسلامی می تواند راهگشا باشد. آنان می بایست با بیرون آمدن از حیطه نظر به عمل، در طرح های عمرانی نظارت داشته باشند. تشکیل کمیته های فرهنگی برای نظارت بر برنامه ریزی مسکن که شامل فقیه، جامعه شناس، روان شناس، معمار و متخصص امور فرهنگی باشد، امری ضروری بوده و می تواند در این زمینه مثر تر باشد.

توجه به بافت سنتی در گسترش شهر

از جمله دلایلی که سبب فراموشی و بی تفاوتی نسبت به معماری سنتی شده است، تبعیض و دوگانگی محلات قدیم و جدید از لحاظ امکانات و تجهیزات است. طبیعی است که در صورت تفاوت و تضاد در بافت های جدید اعم از معماری ساختمان ها و نحوه توزیع تسهیلات و خدمات، شهر به قطب های مختلف و حتی متضاد تبدیل شده و مردم از بافت های تاریخی دفع و جذب بافتهای جدید شهری شوند. تقریباً همه ی شهرها، به تناسب متشکل از بافت هایی هستند که از منظرها و با معیارهای مختلف قابل طبقه بندی و تعریف است و همه این بافت ها به تناسب نیازهای ساکنین و ویژگی های خود نیازمند مدیریت هستند (نقی زاده: 254). تلاش در جهت تجهیز محلات قدیمی، می تواند ترغیب ساکنین شهرها را به سکونت در آن اماکن برانگیزد. اگر نوسازی و احیاء بافتهای تاریخی، با لحاظ کردن ارزش ها، معیارهای فرهنگی و توجه به نیازهای ساکنین انجام شود، جاذبه لازم را برای زندگی فراهم کرده و در نهایت خواهد توانست به عنوان الگویی برای توسعه جدید شهر مورد توجه قرار گیرد (همان: 262).

توجه به فرهنگ بومی هر منطقه در معماری مسکن

با توجه به اینکه ایران کشوری است که از لحاظ آب و هوایی تنوع بسیاری را دارد، پس توجه به این مطلب، در ساخت مسکن اهمیت بسزایی دارد. این امر، علاوه بر مزایای متعدد آن برای ساکنین، الگوهای سنتی معماری را نیز زنده می کند. برای تحقق این امر، می بایست اصول و معیارهای حاکم بر مسکن را که پاسخگوی نیازهای زیستی و فرهنگی باشد، تهیه و در دسترس طراحان قرار گیرد. حاصل این کار نیز به صورت الگویی بومی و ملی معرفی شود و جامعه را از تقلید و تکرار الگوهای بیگانه و تبعات منفی آن مصون دارد.

بدیهی است که برای بومی سازی مسکن، افراد آن مناطق می توانند بهترین کمک باشند، بنابراین ساکنان باید در فرآیند برنامه ریزی مداخله کنند و نیازها و مزیت های هر خط مشی و تغییرات پیشنهاد شده را درک کنند. اگر برنامه ریزی از بالا تحمیل شود، هیچ همکاری اتفاق نخواهد افتاد (بنابین: 40).

توجه به امر مسکن و ایجاد سکونت مطلوب به جای تمرکز بر تولید مسکن، موضوعی است که می تواند شرایط عادلانه زندگی را برای انسان ایجاد کند و پاسخگوی نیازهای روحی و روانی او نیز باشد. بر طبق اصل یکصد و سی و یکم قانون اساسی، در طرح مسکن باید ویژگی ها و ابعاد کمی و کیفی مسکن مطابق با خانوارها و فضای سکونتی باشد (حیبی و دیگران، 1367: 2). بنابراین باید ارزش های مطرح در فرهنگ ایرانی و شأن خانواده ایرانی مورد توجه قرار گیرد و از هر آنچه که این شأن را خدشه دار کند، احتراز کرد.

نتیجه گیری

توجه به بناهای سنتی ایرانی به خوبی نشان دهنده، بیداری هویت اسلامی و حفظ ارزش های انسانی در آن است. این نوع از معماری که در دوره قبل از اسلام نیز وجود داشت، با ورود اسلام به ایران وجود عینی تری به خود گرفت. سلسله مراتب ورود به فضای خانه، جداسازی بخش ساکنان و مهمانان و درون گرایی و توجه به عنصر طبیعت در طراحی آن بارزترین نمودهای عینی معماری است. اما به تدریج با آشنایی با فرهنگ غربی به خصوص در دوره قاجار، سبک های بیگانه وارد طرح معماری ایران شد. گسترش شهرنشینی، نبود تحصیلات آکادمیک درباره معماری و دیگر عوامل سبب شد تا فرهنگ اسلامی کم کم به فراموشی سپرده شود. از دلایل مهم این امر، سیاست های دولت در تقلید از روش های معماری مدرن و بی توجهی به فرهنگ اسلامی – ایرانی بود. از نتایج زیان بار این امر، ترویج فرهنگ فردگرایی، بی هویتی، تمرکز بر مسکن انبوه و روی گردانی از روش های بومی بود.

در این جهت، باید برنامه سازان مسکن، با در نظر گرفتن تعالیم اسلام و الگوگیری از معماری گذشته ایران، از تسلط معماری غرب بکاهند. بدیهی است برای تحقق این امر، فرهنگ سازان و علمای مذهبی نقشی مهم برعهده دارند. آنان با نظارت جدی بر ساخت مسکن، از تولید انبوه خانه های بی هویت که تنها در جهت رفع نیازهای مادی است، می بایست جلوگیری کنند.

توجه به بافت سنتی و کم کردن فاصله آن با بافت جدید شهری، محرک خوبی برای زنده کردن الگوهای معماری به شمار می رود. بومی سازی مسکن نیز که از سوی طراحان مسکن مورد غفلت واقع شده، راهکار خوبی برای مبارزه با الگوهای وارداتی معماری به شمار می رود. بدیهی است که در این زمینه می بایست به جای توجه کمی به ساخت مسکن، به کیفیت تغییر جهت داد.

دفتر مهندسی زیماطرح (<http://zimatarh.com>)